

قانون اصول محاکمات حقوقی

درس اول

قبل از شروع به موضوع پروگرام خود اصول محاکمات حقوقی لازم است علم حقوق را بطور مختصر تریب کرده موقعیتی را که اصول محاکمات در علم مزبور دارد معین نموده وارد اصل موضوع شویم .

کلمه حقوق دارای سه معنی است - ۱ - مجموعه قواعد و قوانینی که در جامعه بشری یا در جامعه سیاسی معینی حکم فرما است .

۲ - مجموعه اختیارات و امتیازاتی که تعلق بفرديا جامعه معینی دارد .

۳ - بالاخره علم حقوق که از قواعد و قوانین مزبور و مبانی آن گفته می‌کنیم .

حقوق اجتماعی - عبارت از مجموعه قواعد و قوانینی است که روابط ما بین افراد را تنظیم نموده بوسیله قوه جبریه منظمی حفظ میشود

حقوق اختصاصی مجموعه اختیاراتی است که بر طبق قواعد حقوق اجتماعی بفرد معین داده میشود مثلا مالک حق دارد که تقاضای خلع یدشامبهر از ملک خود نموده که از وجود محاکم و عمال قضائی و قوای تأمینیه استفاده کرده حمایت آنها را برای احقاق حق خود بخواهد .

مبنای علم حقوق - مبنای علم حقوق عبارت است از عادت و قانون .

عادت - هر جامعه بر حسب قوای مادی و معنوی خود با بند افکار و عاداتی است که در وضع قوانین دخالت تام دارد .

قانون عبارت از قواعد اجباری است که بوسیله مقننین « حکومت قانون گذار » بترتیب مخصوص وضع

و اجراء می شود این نکته نگفته اند که سیره قضائی و عقاید قضائی در علم حقوق دارای مقام منزلت مخصوصی بوده بالاخره در فصل امور مؤثر میباشد .

سیره قضائی عبارتی از تعبیراتی است که محاکم و بالاخره دیوان عالی تمیز در موارد مختلفه از مواد قانونی می نمایند . عقاید قضائی عبارت از نظریاتی است که علماء و محققین حقوق در موارد مختلفه اظهار و در مجلات و مؤلفات خود و جراید نشر میدهند .

تقسیمات حقوقی

حقوق بر دو قسمت متمایز قسمت میشود داخلی و خارجی حقوق خارجی یا حقوق بین الملل قوانینی است راجع بروابط بین دوزن مختلفه و اتباع آن دوزن و بدو قسمت تقسیم میشود : حقوق بین الملل خصوصی و حقوق بین الملل عمومی

حقوق بین الملل خصوصی عبارت از مجموعه قواعد و قوانینی است که در معاملات و رفتار اتباع دول مختلف را نسبت بیکدیگر تعیین میکند .

حقوق بین الملل عمومی قواعدی است که رابطه دول را با یکدیگر تعیین میکند .

حقوق داخلی عبارت از قوانینی است که روابط اتباع کشور را با یکدیگر و با دولت تشخیص میدهد و بدو قسمت تقسیم میشود : خصوصی و عمومی

الف - حقوق داخلی خصوصی مجموعه قواعد و قوانینی است که روابط افراد یک کشور را نسبت بیکدیگر معین میکند و به نسبت ذیل قسمت میشود .

۱ - حقوق مدنی - که حائز کلیه قوانین راجع به خانواده و ارث و عقود و معاملات و حقوق عینی و حکمی

نسبت به اموال منقول و غیر منقول میباشد.

۲- حقوق تجارت که از قواعد مربوط بامور تجاری از قبیل قواعد مربوط بشرکت ها و بروات و اسناد و دفاتر تجاری و ورشکستگی و بالاخره ترتیب دعاری حاصله از معاملات تجاری گفتگو میکنند.

۳- اصول محاکمات حقوقی و آن عبارت از مجموعه قواعد و قوانینی است که در محاکم عدلیه برای اظهار و اثبات و اجرای حقی رعایت میشود.

ب- حقوق داخلی عمومی - حافظ روابط بین دولت و ساکنین يك کشور است - حقوق عمومی بر چند شعبه قسمت میشود

۱- حقوق اساسی که مبین اساس دولت است و موضوع آن قانون اساسی کشور میباشد بوسیله قانون مزبور اختیارات دولت و حقوق افراد معلوم و معین میشود

۲- حقوق اداری - تشکیلات اداری دولت و حدود و اختیارات ادارات دولتی و روابط آنها را با افراد تعیین میکند و مبین اختیارات ادارات مزبور و حقوق افراد در مقابل دوایر دولتی میباشد بقسمی که دوایر مزبور در روابط خود با افراد لطمه به حقوق آنها وارد نکنند.

حقوق جزا - حقوق جزائی روابط و اختیارات دولت را نسبت باشخاصیکه مرتکب نقض قانون گشته اند تعیین مینماید باین معنی که بنوعی وقوع نقض قانون را معلوم نموده پس از آن سیاست و عقوبتی که اعمال آن در هر موقع بخصوص مناسبت دارد تشخیص میدهد بالاخره طرز و طریق تعقیب مجایران را معین میکند.

درس دوم

تعریف اصول محاکمات عبارت از مجموعه قواعد و مقرراتی است که بایستی از طرف متداعیین و نسبت به آنها برای اثبات حق یا دفاع مراعات شود از این لحاظ بخوبی میتوان دریافت که بر حسب نوع دعوا و رجوع بساکنان که مختلفه اصول محاکمات مختلفی وجود دارد از قبیل اصول محاکمات حقوقی - اصول محاکمات جزا -

اصول محاکمات اداری و غیره.

قبل از آنکه متظلم در صدر حق خود بر آید باید محاکم را شناخته و بداند که صلاحیت محاکم مختلفه بر قطع و فصل دعاوی چیست بنابراین قسمت جدیدی بایستی بطور مقدمه بر مطالب راجع باصول محاکمات افزود و آن عبارت از تشکیلات محاکم و صلاحیت آنها است از این لحاظ میتوان گفت که اصول محاکمات بدوطریق قابل تعریف است.

اصول محاکمات بمعنی اخص که از مجموعه قواعدی که در محاکم بایستی رعایت شود گفتگو میکنیم و اصول محاکمات بمعنی اعم که شامل قسمت اول باضافه تشکیلات و صلاحیت محاکم میشود.

تشکیلات محاکم - بطور کلی محاکم قضائی به دو قسمت تقسیم میشود محاکم عمومی و محاکم اختصاصی محاکم عمومی - عبارت از محاکمی است که قانون صلاحیت رسیدگی بکلیه دعاوی را به آنها داده مگر مواردی را که استثناء کرده است.

محاکم اختصاصی - محاکمی را گویند که حق رسیدگی بهیچ دعوائی را ندارد مگر آنچه که قانون سراً معین کرده باشد بنابراین در محاکم دسته اول رسیدگی اصل و قاعده کلی بوده و عدم رسیدگی استثناء است و حال آنکه در محاکم دسته دوم اصل عدم رسیدگی و قبول دعاوی استثنائی است.

رسیدگی بدعاوی معمولاً دو درجه ای است یعنی هر دعوائی دو مرتبه قابل رسیدگی است مرحله بدوی و مرحله استینافی.

بهیچ دعوائی استینافاً نمیتوان رسیدگی کرد مگر آنکه قبلاً بطور بدوی رسیدگی شده باشد و از این لحاظ محاکم بدو درجه قسمت شده است: محاکم ابتدائی و محاکم استینافی ولی از نظر عدم تراکم امور محاکم دیگری نیز ایجاد شده که عبارت است از محاکم صلح و مافوق تمام محاکم دیوان عالی تمیز است.

دیوان تمیز درجه سوم محاکم نبوده و وارد در ماهیت دعاوی نمیشود بلکه فقط نسبت بصحت اجراء قوانین نظارت دارد .

تشکیلات محاکم - بطوریکه در بالا اشاره کردیم محاکم مختلفه عبارت است از محکمه صلح - محکمه بدائی - محکمه استیناف - دیوان تمیز که محاکم مزبور هر کدام بوسیله يك یا چند نفر عضو اداره میشود .

قاعده وحدت و تعدد قاضی - قاعده وحدت قاضی عبارت از این است که محاکم بوسیله یک نفر قاضی اداره شود و تعدد قاضی عبارت از این است که رسیدگی بدعوی بعهده چند نفر محول شده باشد و هر محکمه ای از چند نفر تشکیل شود این دو قاعده هر یک معایب و محاسنی دارد و بنابراین هر يك دارای طرفداران و مخالفینی می باشند طرفداران وحدت قاضی اظهار میدارند که اگر محکمه مرکب از چند نفر باشد نه فقط وسائل تسریع در قطع و فصل دعاوی موجود نخواهد بود بلکه تعیین مسئول حقیقی و صحت و سقم احکام و عملیات محاکم مشگل بلکه غیر ممکن است زیرا قاضی واحد مسئول اعمال و احکام خود بوده و در صورت تعدد قضات مسئولیت تقسیم شده و از بین میرود . عقیده طرفداران تعدد قضات نیست که مقصود از تشکیل محاکم احقاق حق مردم است و از اینرو نمیتوان حقوق مردم را بدست شخص واحد سپرد زیرا یک نفر بیشتر در معرض سهو و خطا واقع میشود تا اشخاص متعدد در

سورتیکه طرفداران وحدت قاضی اضافه میکنند که اگر جامعه قضات بافهم و صحیح پیروانند فرد واحد نیز بدو به خود میتواند حافظ حقوق مردم بوده از طرفی بیشتر سرعت در امور بدهد و از طرف دیگر بوجه قضائی کمتر بمردم تحمیل گردد .

در نتیجه اختلاف دو عقیده مزبور کشورهای مختلفه طرز ثالثی در نظر گرفتند بعضی محاکم را بطور انفرادی و بعضی دیگر را بطور اجتماعی تشکیل میدهد که قانون اخیر نیز در کشور ما رعایت و مجرا شده باین معنی که محاکم صلح و محاکم ابتدائی با قاضی منفرد تشکیل و در محاکم استیناف و دیوان تمیز قانون تعدد قضات رعایت شده است .

محاکم صلح - در ایران بر طبق تشکیلات عمومی دو قسم صلحیه موجود است . صلح ناحیه که حد نصاب آن دوست ریال است و تشکیل میشود از يك امین صلح .

در نقاضی که صلح محدود نباشد صلح ناحیه بدعاوی که مدعا به آن تا يك هزار ریال است رسیدگی میکند احکام صلح ناحیه در صورت اول قطعی و در صورت ثانی نسبت باحکامیکه محکوم به آن بیش از دوست ریال باشد قابل استیناف است .

در نقاضی که صلح ناحیه نیست صلح محدود یا محکمه بدایت بامر صلح ناحیه رسیدگی میکنند و احکامی که محکوم به آن بیش از دوست ریال باشد قابل استیناف است .